



## اخراج مدیران و ادامه مبارزه در فولاد



صبح روز شنبه سیزدهم دی‌ماه ۹۹، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در اقدامی متحدانه تعدادی از مدیران ارشد مجموعه را به خاطر اقدامات ضد کارگری و دست داشتن در چپاول و دزدی‌های مافیای فولاد از شرکت بیرون کردند. کارگران فولاد پیش‌تر در تجمعات اعتراضی و مکرر خود نسبت به انتصاب این مدیران، به مدیرعامل شرکت هشدار داده بودند. با این اقدام شجاعانه کارگران، بار دیگر پای

در صفحه ۳

## "سخن قطعی و پایانی" خامنه‌ای بر سر مذاکرات برجام و اختلافات فراتر از برجام

روز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه، سخنگوی کابینه روحانی اعلام کرد که جمهوری اسلامی روند غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصدی را در تأسیسات هسته‌ای فردو آغاز کرده است.

با این اقدام، جمهوری اسلامی علاوه بر کنار نهادن تعدادی از تعهدات برجامی خود از اردیبهشت تا آبان ماه، یکی دیگر از تعهدات مهم خود را در دی‌ماه کنار گذاشت و غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصدی را عملی کرد. این اقدام جمهوری اسلامی واکنش‌های گاه شدیدی را از سوی دولت‌های عضو برجام و خارج از آن برانگیخت.

دولت‌های بریتانیا، فرانسه و آلمان روز چهارشنبه ۱۷ دی با انتشار بیانیه مشترکی اعلام کردند: اقدام جمهوری اسلامی نقض آشکار تعهدات هسته‌ای بر اساس برجام است. آن‌ها خواستار توقف فوری غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم شدند.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: اقدام جمهوری اسلامی در غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصدی در فردو، تلاشی آشکار در راستای تشدید کمپین باج‌خواهی هسته‌ای این کشور است.

وزارت امور خارجه روسیه، ضمن این‌که اعلام کرد: "از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد انحراف از توافق‌های ثبت‌شده در برنامه جامع اقدام مشترک برای حل‌وفصل برنامه هسته‌ای ایران (برجام) است." این نکته را نیز افزود که "علت اصلی این انحرافات نقض فاحش سیستماتیک تعهدات بین‌المللی توسط ایالات‌متحده است."

سخنگوی وزارت امور خارجه چین نیز بدون این‌که موضع مشخصی بر سر این مسئله اتخاذ کند از آمریکا خواست به برجام بازگردد و از همه طرف‌ها خواست آرامش و خویشتن‌داری

در صفحه ۲

**خامنه‌ای دستور  
قتل عام توده‌های  
مردم ایران  
را صادر کرد**

در صفحه ۷

## این جنایت مشمول مرور زمان نخواهد شد

دو موشک پدافند هوایی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در آسمان تهران سرنگون شد و کلیه ۱۷۶ سرنشین آن جان باختند.

سرنگونی هواپیمای مسافربری تهران - کی‌یف، آنچنان دردناک و فاجعه بار بود که مقامات جمهوری اسلامی از همان دقایق اولیه برای مخفی نگه داشتن دلیل سرنگونی هواپیمای اوکراینی به پنهان کاری، جعل اخبار و دروغ

در صفحه ۱۰

روز پنجشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۹۹، مراسم اولین سالگرد جان باختگان هواپیمای مسافربری بویینگ ۷۳۷ تهران - کی‌یف به شماره پرواز ۷۵۲ توسط خانواده‌های جان باختگان این فاجعه در محل سقوط هواپیمای اوکراینی برگزار شد. هواپیمایی که صبح روز چهارشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۹۸ (۸ ژانویه ۲۰۲۰) ساعت ۶ و ۱۲ دقیقه صبح به وقت تهران از باند فرودگاه بین‌المللی خمینی به پرواز درآمد، اما دقایقی بعد با اصابت

## جمهوری اسلامی دشمن مردم، دشمن طبیعت، دشمن زندگی

مقامات جمهوری اسلامی را به واکنش‌های متعدد و تناقض‌گویی‌های مکرر واداشت. اعتراضات حتا در شبکه‌های مجازی به راه افتادن کمپین "مازوت نسوزانید" منجر گردید و یکی از فعالان محیط زیست در کانال تلگرامی خود در رابطه با آلودگی هوا نوشت: "کرونا نبود، تلفات امسال آلودگی هوا در ایران به ۲۰۰ هزار ایرانی می‌رسید."

در روزهای گذشته و هنگامی که شاخص کیفیت هوا (Air quality index) در تهران به ۱۵۳

در صفحه ۵

**گزارشی از تجمع اعتراضی علیه  
رژیم جمهوری اسلامی در آمستردام هلند**

در صفحه ۶

## زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## "سخن قطعی و پایانی" خامنه‌ای بر سر مذاکرات برجام و اختلافات فراتر از برجام

### کمک‌های مالی

#### سوئیس

|          |                        |
|----------|------------------------|
| ۳۰ فرانک | علی‌اکبر صفایی فراهانی |
| ۴۰ فرانک | سیامک اسدیان (اسکندر)  |
| ۳۰ فرانک | حمید اشرف              |
| ۵۰ فرانک | محمد کاسه‌چی           |
| ۵۰ فرانک | امیر نبوی              |

#### دانمارک

|           |               |
|-----------|---------------|
| ۲۰۰۰ کرون | هوشنگ احمدی   |
| ۲۰۰۰ کرون | دکتر نریمسا   |
| ۲۰۰۰ کرون | خروش (دسامیر) |

#### کانادا

|                           |                        |
|---------------------------|------------------------|
| گرامی باد پنجاهمین سالگرد |                        |
| ۱۶۰ یورو                  | جماسه تاریخ ساز سپاهکل |

خود را حفظ کنند. ژاپن هم که عضو برجام نیست، اعلام موضع کرد و سخنگوی دولت ژاپن گفت: این اقدام نقض توافق هسته‌ای خواهد بود. به‌رغم تمام این موضع‌گیری‌ها بعید است، دولت‌های عضو یا خارج از برجام بخواهند اقدام خاصی در مورد نقض تعهدات برجامی جمهوری اسلامی انجام دهند، یا چنین سیاستی داشته باشند. در گذشته نیز واکنش‌های مشابهی به اقدامات جمهوری اسلامی، لاف‌ها از جانب اتحادیه اروپا صورت گرفت و در همین محدوده باقی ماند. بنابراین موضع‌گیری‌های علنی طرفین بر سر مسائل مورد اختلاف را نباید جدی گرفت، بلکه باید دید که هر یک در عمل چه سیاستی را پیش می‌برد و هدف از آن چیست؟ حتی می‌توان تصور کرد که در صورت عدم توافق‌های اولیه برای رفع تحریم‌ها و یا لاف‌های بخشی از آن‌ها، جمهوری اسلامی برای اعمال فشار در مذاکرات و کسب امتیاز، موقتاً از اجرای پروتکل الحاقی نیز سر باز زند و اجرای آن را منوط به پذیرش خواست‌های خود کند. باز هم اتفاق خاصی رخ نخواهد داد، چراکه در این مورد نیز سیاست طرفین نزاع حل مسئله از طریق دیپلماسی، مذاکره و بده و بستان است.

درواقع هدف جمهوری اسلامی از این اقدامات پوشیده نیست. جمهوری اسلامی می‌داند که آمریکا به برجام باز خواهد گشت و بر خلاف ترامپ می‌خواهد با مذاکره و دیپلماسی سیاست خود را پیش ببرد. بنابراین می‌کوشد با دست پرتری بر سر میز مذاکره بنشیند و برای بازگرداندن هر یک از تعهدات نقض شده، امتیازاتی بگیرد. چون اکنون دیگر مسئله صرفاً رفع تحریم‌ها نیست، بلکه کشمکش طولانی‌تر بر سر موشک‌های بالستیک و مداخلات جمهوری اسلامی در کشورهای دیگر نیز در راه است. چند روز پیش، مشاور منتخب امنیت ملی آمریکا در دولت جو بایدن، گفت: در صورتی که ایران به تعهدات خود در برنامه هسته‌ای عمل کند، همان‌طور که بایدن گفته است آمریکا به این توافق باز خواهد گشت، اما این بازگشت باید سرآغاز مذاکراتی دیگر باشد. وی افزود: آمریکا فکر می‌کند برنامه موشک‌های بالستیک ایران باید به‌عنوان بخشی از مذاکرات بعدی روی میز باشد.

ما همچنین معتقدیم که گفت‌وگوها می‌تواند فراتر از ۵ عضو دائمی شورای امنیت یعنی ۱+۵ باشد و سپس بازیگران منطقه‌ای را نیز درگیر کند؛ و اینکه در آن مذاکره گسترده‌تر، می‌توانیم در نهایت محدودیت‌هایی برای فناوری موشک‌های بالستیک ایران ایجاد کنیم و این همان چیزی است

که می‌خواهیم از طریق دیپلماسی دنبال کنیم، امری که هم شامل پرونده هسته‌ای و هم مجموعه گسترده‌ای از مسائل منطقه‌ای بشود." به‌رغم این‌که تحریم‌ها برگ برنده‌ای در دست طرف آمریکایی است، اما با توجه به موقعیت تضعیف‌شده دولت آمریکا در سطح داخلی و بین‌المللی، بعید است که بتواند این سیاست را آن‌گونه که گفته شده، پیش ببرد و حتی مذاکراتی فراتر از اعضای برجام را سازمان دهد. گرچه مقامات جمهوری اسلامی از جمله سخنگوی وزارت خارجه موضع‌گیری‌های متعددی در رد اظهارنظرهای مشاور منتخب امنیت ملی در کابینه بایدن داشتند، اما این خامنه‌ای بود که به گفته خودش موضع "قطعی و پایانی" جمهوری اسلامی را اعلام کرد.

روز ۱۹ دی‌ماه، خامنه‌ای در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: "یکی از مسائل پرتکرار در چالش بین جمهوری اسلامی و جبهه استکبار به سرکردگی آمریکا یکی مسئله تحریم است، یکی حضور منطقه‌ای ایران است یکی هم توان دفاعی ایران و قدرت موشکی ایران. این‌ها را دائم می‌گیرند و یک نقی می‌زنند و این‌طرف هم جوابی می‌دهد. البته مسئولین داخلی ما جواب استکبار را در هر سه مسئله داده‌اند. هم اینکه شعارهای مردمی ما جواب آن‌ها را داده ولی من سخن قطعی و پایانی را عرض می‌کنم." اوضاع از هم‌گسیخته اقتصادی و مالی واقعی است که به‌شدت رژیم را در محاصره قرار داده است. بنابراین خامنه‌ای قبل از هر چیز بر نیاز فوری جمهوری اسلامی به برافزاندن تحریم‌ها تأکید کرد و گفت: "درباره تحریم‌ها، جبهه غرب موظف هستند این حرکت خیانت‌آمیز را خاتمه دهند یعنی تحریم را فوراً متوقف کنند. این وظیفه آن‌هاست. باید همه تحریم‌ها را بردارند." اما وی از آنجائی که می‌داند برافزاندن تحریم‌ها به سادگی ممکن نیست، در همین محدوده کلی حرف می‌زند و چگونگی پیشرفت کار و جزئیات آن را به مجریان پیشبرد این سیاست واگذار می‌کند. این را هم می‌گوید: "چنانچه آن‌ها تعهدات خود را انجام دهند ما هم برمی‌گردیم. از ابتدای برجام هم گفتیم کارهای ما و تعهدات ما باید متناظر با اقدامات آن‌ها باشد. از ابتدا که انجام نگرفت ولی حالا باید بشود."

خامنه‌ای در مورد مذاکره بر سر مسائل منطقه‌ای و دخالت در کشورهای دیگر، موضع همیشگی جمهوری اسلامی را تکرار کرد و صریحاً اعلام کرد، عقب‌نشینی از این مسئله را نمی‌پذیرد. او گفت:

"درباره حضور منطقه‌ای ما، نظام ما موظف است طوری رفتار کند که دوستانش در منطقه

تقویت شود. این وظیفه ماست. حضور ما به‌معنای تقویت دوستانمان است. نباید کاری کنیم وفاداران به جمهوری اسلامی در منطقه تضعیف شوند.... حضور منطقه‌ای قطعی است و وجود خواهد داشت."

بنابراین، اساسی‌ترین اختلاف که در حقیقت سرمنشأ اختلافات دیگر از جمله هسته‌ای و موشکی است، لاینحل به جای خود باقی خواهد می‌ماند. خامنه‌ای بار دیگر تأکید می‌کند که توسعه‌طلبی پان اسلامیستی و سازماندهی و حمایت از جریان‌های تروریست اسلام‌گرا جزئی از موجودیت جمهوری اسلامی ایران است.

در مورد مسائل موشکی نیز به‌رغم این‌که خامنه‌ای در وصف قدرت نظامی رژیم بسیار گفت، اما موضع قاطعی همانند مسائل منطقه‌ای نداشت و نگفت بر سر اختلافات موشکی بحث و مذاکره و توافقی نخواهیم داشت، بلکه جای مذاکره، توافق و احتمالاً برخی امتیازات و عقب‌نشینی‌ها را باز گذاشت و به همین حد اکتفا کرد که بگوید:

"امروز قدرت دفاعی ما طوری است که دشمنان ما در محاسبات ناگزیرند توانایی‌های ایران را به‌حساب بیاورند. ما نباید کشور را بی‌دفاع بگذاریم. نباید کاری کنیم دشمن جرئت کند و ما نتوانیم کاری در مقابل او انجام دهیم."

آنچه خامنه‌ای در این سخنرانی به‌عنوان "سخن قطعی و پایانی" مطرح کرد، چهارچوب سیاستی است که وی برای دستگاه اجرائی رژیم در مذاکرات برجام تعیین کرده است.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## اخراج مدیران و ادامه مبارزه در فولاد



معضلات و مشکلات گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به رسانه‌ها کشیده شد. فولادی که پس از مبارزات شورانگیز کارگران در سال ۹۷، با زور و ترفندها و وعده‌های گوناگون، بیش از دو سال به پس‌صحنه رانده شده بود، دوباره روی صحنه آمد و فریاد برآورد که مبارزه در این مجتمع بزرگ صنعتی ادامه دارد.

بیش از دو سال از اعتصاب ۳۷ روزه و تظاهرات خیابانی مستمر و روزانه کارگران فولاد اهواز در پاییز سال ۹۷ گذشته است. به‌رغم دست‌به‌دست شدن مالکیت این مجتمع و تعویض و جابجایی چندبارة مدیریت، اما نه‌فقط هیچ‌گونه بهبودی در وضعیت کارگران فولاد اهواز حاصل نشده بلکه فشارهای گوناگون علیه کارگران تشدید شده، ادامه کاری فولاد اهواز و آینده شغلی کارگران همچنان در هاله‌ای از ابهام فرورفته است.

فولاد اهواز مانند ده‌ها و صدها کارخانه و مؤسسه دیگر در روند اجرای سیاست خصوصی‌سازی دچار گرفتاری‌ها و مشکلات متعدد و درهم‌پیچیده‌ای شده است. فولاد اهواز بیش از یک دهه است از عواقب خصوصی‌سازی رنج می‌برد و چون یک بیمار در

بستر بیماری رها شده است. تن رنجور این بیمار گاه تا مرحله احتضار پیش رفته است و اکنون به نظر نمی‌رسد جز با یک جراحی بتوان بیمار را معالجه کرد.

شرکت گروه ملی صنعتی فولاد ایران از معدود تولیدکنندگان بزرگ محصولات نوردی با ظرفیت سالانه یک‌میلیون و ۴۳۵ هزار تن فرآورده‌های فولادی و ۴۳۰ هزار تن شمش فولادی و بیش از ۳ هزار کارگر و نیروی کار متخصص، در سال ۸۸ به شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیر منصور آریا (مه آفرید خسروی) واگذار شد. اما چیزی نگذشت که پرونده اختلاس ۳ هزار میلیاردی وی رو شد و با دستگیری وی، در سال ۹۰ اداره این مجموعه به دادستانی و مدیران منصوب آن واگذار گردید. نارسایی‌ها و نابسامانی‌های موجود به‌سرعت تأثیرات مخرب خود را بر زندگی کارگران فولاد برجای گذاشت. وضعیت بی‌ثبات شرکت، بی‌برنامگی، تعویق پرداخت دستمزدها، اختلال در تولید و ادامه کاری، ناامنی شغلی و اضطراب را در میان کارگران دامن زد. اوضاع روزبه‌روز وخیم‌تر شد تا اینکه در بهمن سال ۹۵، گروه ملی فولاد اهواز رسماً به بانک ملی واگذار شد. بانک ملی وعده داد مطالبات معوقه کارگران را پرداخت و فعالیت‌های اقتصادی شرکت را رونق بخشد. اما این جابجایی و وعده‌های متعاقب آن نیز تغییری در وضعیت کارگران و چشم‌انداز ادامه کاری شرکت ایجاد نکرد. حدود ۹ ماه بعد، ۳۰ آبان ۹۶، بانک ملی، فولاد اهواز را به

سرمایه‌دار دیگری بنام عبدالرضا موسوی که سابقه فعالیت در سپاه و دستگاه امنیتی آن داشت واگذار کرد. وعده‌های موسوی در زمینه راه‌اندازی خطوط تولید و ساماندهی شرکت نیز روی کاغذ ماند. موسوی نیز که ظاهراً در بند و بست با بانک ملی در زمینه تأمین اعتبار به مشکل برخورد کرده بود، چند ماه بیشتر دوام نیاورد. دستمزد و مزایا پرداخت نمی‌شد. شرکت به حالت تعطیل درآمده بود. اعتراضات کارگران روبه گسترش بود. با تشدید مبارزات کارگران و گسترش اعتراض به خیابان و مقابل استانداری خوزستان، از اردیبهشت ۹۷ بحث واگذاری دوباره شرکت به بانک ملی مطرح شد. بعد از آن نیز بحث‌ها و تلاش‌های حکومت‌گران برای تأمین اعتبار و سرمایه در گردش به‌منظور تأمین مواد اولیه و راه‌اندازی تولید، همواره با سوءاستفاده مالی همراه بوده و اقدامات انجام‌شده نیز جز در حد مسکن ضعیف موقتی، اثر دیگری نداشته است. بحران در فولاد مدام تشدید شد. درحالی‌که در پرتو وضعیت نابسامان گروه ملی فولاد، افراد وابسته به باندهای حکومتی و مافیایی هر یک سرگرم غارت و چپاول و سوءاستفاده مالی و پر کردن جیب‌های خویش بودند، وضعیت مزد و مزایای کارگران مدام وخیم‌تر و آینده شغلی تیره و تارتر شد و چند هزار کارگر در یک‌قدمی اخراج قرار گرفتند.

با این پیش‌زمینه‌ها و ادامه بلاتکلیفی‌ها و کشمکش‌هاست که فولاد وارد اعتصابات و اعتراضات مکرر در سال ۹۷ می‌شود. با اعتصاب یکپارچه و ۳۷ روزه و اعتراضات خیابانی و درخشان کارگران و شعارها و سخنرانی‌های پرشور نمایندگان کارگران فولاد در پاییز سال ۹۷، مبارزات شورانگیز کارگران فولاد آشکارا وارد فاز جدیدی شد. فولاد نه‌فقط با شعارها و خواست‌های اخص کارگری از نمونه "ما کارگران آهنیم- ریشه ظلمو می‌کنیم"، "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بی‌داد می‌جنگیم"، "مرگ بر این دولت مردم‌فريب" و "فولاد، هفت‌تپه اتحاد اتحاد"، "می‌ایستیم، می‌میریم - حق مو نو می‌گیریم" وارد میدان مبارزه شد، بلکه با شعارهایی نظیر "نه حاکم نه دولت- نیستن به فکر ملت"، "گرانی، تورم- بلای جان مردم"، "کارگر، معلم، دانشجو اتحاد اتحاد" که مور استقبال سایر اقشار زحمتکش قرار گرفت، یکبار دیگر جایگاه یگانه و بی‌جایگزین طبقه کارگر در یک مبارزه عمومی علیه رژیم حاکم و تمام نظم موجود را نشان داد. در اعتصاب و مبارزه خیابانی پاییز ۹۷ کارگران فولاد از زبان یکی از نمایندگان خود به‌صراحت اعلام کردند از مرگ نمی‌ترسند، چیزی برای از دست دادن ندارند و بر ادامه مبارزه تا نابودی مافیایی که بر فولاد اهواز چنگ انداخته است، تأکید نمودند. با اعتصاب بزرگ و یکپارچه و تظاهرات پرشور

خیابانی کارگران فولاد و همزمانی آن با مبارزات و اعتراضات خیابانی کارگران هفت‌تپه، توأم با شعارها و شعارنوشته‌های رادیکال، انقلابی و ضد سرمایه‌داری که موجودیت تمام نظم موجود را زیر سؤال می‌برد، وحشت و رعشه مرگ سرتاپای دولت و عوامل آن در استان خوزستان را فراگرفت.

اعتراضات کارگران منجر به برکناری قطعی سرمایه‌دار خصوصی شد. حدود ۶۹ درصد سهام شرکت به بانک ملی واگذار شد. بانک ملی مدیران جدیدی را منصوب کرد. کارگران فولاد خواهان خلع ید از بانک ملی و واگذاری آن به دولت بودند. دولت گرچه وانمود کرد به خواست‌های کارگران رسیدگی خواهد کرد، اما با هجوم به تجمع کارگران و یورش شبانه به منازل آن‌ها در فاصله ۲۵ الی ۲۷ آذر ۹۷، ۴۲ تن از کارگران مبارز و پیشرو فولاد را بازداشت و روانه زندان مرکزی اهواز کرد که تعدادی از آن‌ها چند هفته زندانی بودند. وعده‌های رنگارنگ بعدی در مورد احیای شرکت و رونق تولید و امثال آن نیز هیچ‌کدام عملی نشد. یک سال دیگر بدین گونه سپری شد.

از یازده آبان ۹۸ نادر جعفریوسفی جای مدیرعامل قبلی را گرفت. این سومین تغییر مدیریت در ظرف یک سال بود. تغییراتی که جز برای عده‌ای معدود از بستگان و آشنایان مدیریت که به پست‌ها و حقوق‌های بالایی دست یافتند، منشأ هیچ تغییر و بهبودی به سود کارگران نشد. مدیرعامل‌های قبلی (غوری و پهلوانی) تنها به یک‌رشته اقدامات نمایشی و راه‌اندازی هیاهوی رسانه‌ای دست زدند و در عین حال در سایه‌ی بندوبست با مقامات دولتی و حمایت دولت، به موقعیت‌های مهم اقتصادی و مالی دست یافتند. بنابراین تولید در بخش‌های مختلف فولاد نه‌فقط رونق نیافت بلکه بیش‌ازپیش روند نزولی پیمود و به حدود ۱۰ درصد کل ظرفیت اسمی شرکت رسید.

یوسفی مدیرعامل جدید گروه ملی فولاد و گروه مدیریتی وی نیز عملاً راه مدیریت قبلی را پیموده و طی یک سال گذشته نه‌فقط گامی در راستای بهبود وضعیت گروه ملی فولاد و کارگران آن برنداشته، بلکه فشار علیه کارگران را تشدید نموده و به قول کارگران فولاد، با مافیایی که برای خودش درست کرده و تصمیمات غلط، اوضاع را خراب‌تر کرده است. یوسفی در همان آغاز وعده داد تولیدات گروه ملی را در سال نخست به ۵۰ درصد و در سال دوم به ۸۰



## اخراج مدیران و ادامه مبارزه در فولاد



تدارک اعتصاب بودند تا نسبت به بی‌توجهی مدیریت به جان‌ورزندگی کارگران و سهل‌انگاری در زمینه تأمین لوازم بهداشتی اعتراض کنند، مدیریت کارخانه که از تصمیم کارگران باخبر شده بود روز ۱۹ اسفند در شیفته شبانه شرکت را تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام کرد.

کارگران فولاد در اعتراض به مدیریت و اقدامات آن بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده و با صدور بیانیه‌هایی اقدامات ضد کارگری آن را افشا کرده‌اند. تابستان سال جاری (۹۹) در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد و انتصاب "مدیران پروازی"، عدم تأمین مواد اولیه دست به اعتصاب و تجمع زدند و پاره‌ای از بندوبست‌ها و پارتی‌بازی‌های مدیریت را افشا و برملا ساختند. کارگران فولاد به یوسفی (مدیرعامل) و محمدی معاون وی هشدار دادند از باندبازی و یارگیری و دامن زدن به افکار و تحریکات ضد کارگری توسط عوامل خود دست‌بردارند.

مشکلات بیمه‌ای کارگران نیز افزایش یافته است. هم‌اکنون درحالی‌که ماهیانه درصدی از حقوق کارگران بابت بیمه تکمیلی کسر می‌شود، اما این موضوع هیچ تأثیری در بهبود وضعیت بیمه کارگران نداشته است. تعداد اندکی از کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها با بیمه‌های طرف قرارداد شرکت همکاری می‌کنند. کار دیگری که یوسفی و گروه مدیریتی وی انجام داده، ممانعت از استخدام فرزندان کارگران و پرسنل زحمت‌کش فولاد بوده است. به‌رغم این‌که این افراد نمره قبولی استخدام را کسب کرده‌اند اما استخدام نشده‌اند. مدیریت شرکت در عوض به استخدام افراد جدیدی از نزدیکان و آشنایان و نورچشمی‌های خود و همچنین استخدام‌های تازه با عنوان "فرزندان مدافعان حرم" دست‌زده است. از اقدامات ضد کارگری دیگر مدیریت جدید، تلاش برای سرهمبندی کردن شورای اسلامی در فولاد است. درجه آگاهی به نسبت بالای کارگران فولاد، تمام تلاش‌های تاکتونی رژیم برای ایجاد این نهاد ضد کارگری را خنثی و باشکست روبرو ساخته است. مدیریت شرکت علی‌رغم میل و رضایت کارگران و به‌رغم مخالفت شدید آن‌ها، تصمیم دارد با کمک تعدادی از عناصر وابسته و گوش‌بفرمان خود، یک‌نهاد جاسوسی را در این کارخانه برپا کند و خبرچینی

درصد ظرفیت اسمی خواهد رساند. اما تولید درحال حاضر زیر ۲۰ درصد ظرفیت اسمی است. تأمین مواد خام و اولیه برای ادامه تولید، همواره یکی از خواست‌های کارگران و از ملزومات اولیه گردش چرخ کارخانه فولاد بوده است. یوسفی در مرداد ۹۹ گفت وزارت صمت قول داده است به فولاد اهواز کمک کند و ماهیانه ۲۰ هزار تن سهمیه آهن اسفنجی (ماده اولیه) از گل‌گهر به فولاد داده شود. افزون بر این میثم زالی دبیر ستاد تسهیل و رفع موانع تولید کشور پس از سفر به خوزستان و بازدید از گروه ملی صنعتی فولاد ایران گفت: با تمام توان، رفع مشکلات گروه ملی صنعتی فولاد در دستور کار قرار گرفته است تا علاوه بر حفظ اشتغال موجود، **جهش تولید** در این شرکت محقق شود. وی گفت به‌منظور توسعه فعالیت‌های اقتصادی و مداوم تولید باکیفیت در گروه ملی، وزارت صمت تلاش خواهد کرد تا تأمین مواد اولیه موردنیاز خطوط تولید این کارخانه محقق شود. (ایلنا ۱۴ آبان ۹۹)

اما علی‌رغم این وعده‌ها، بخش عمده مواد اولیه، آهن‌قراضه و ضایعات بخش ذوب است که ظرف دو سه سال گذشته جمع‌آوری شده است. کارگران فولاد مکرر هشدار داده‌اند با پایان یافتن این مواد و آهن‌قراضه، و عدم تأمین مواد اولیه تولید به‌طور کامل متوقف خواهد شد.

بنابراین نه‌تنها **جهش** در تولید پدید نیامد بلکه حتی یک رونق نسبی در تولیدات فولاد اهواز نیز به وجود نیامد و بلاتکلیفی فولاد و خطر تعطیلی آن کم‌کم یک خطر جدی است. دو سال پس از اعتصاب بزرگ و تظاهرات باشکوه خیابانی کارگران فولاد، وضعیت گروه ملی تقریباً در همان موقعیت دو سال پیش است. ضمن این‌که در این دو سال از چند جهت فشار علیه کارگران تشدید شده و اوضاع به زیان آنان رقم خورده است. باندبازی مدیریت، مهره چینی و سپردن پست‌های مهم با حقوق بالا به عناصر ضد کارگر و ناکارآمد و بعضاً فاسد، اختصاص مبالغ کلانی تحت عنوان حق فنی و پاداش و غیره به این مدیران که بعضاً هفته‌ای یک روز در محل حضور پیدا می‌کنند و کارگران به آن‌ها "مدیران پروازی" می‌گویند، حذف برخی مزایای کارگران یا پرداخت ناقص آن، تعویق دستمزدها فشارهای اقتصادی و روانی علیه کارگران را تشدید نموده است. یک سال پس از مدیریت یوسفی و گروه وی، نه‌تنها هیچ‌گونه نوسازی و بازسازی صورت نگرفته بلکه در اثر استهلاک بیش‌ازپیش تجهیزات، نایبمنی محیط کار و خطر جانی بسی افزایش یافت است. در یک سال اخیر و شیوع بیماری کرونا، کمترین توجه و مراقبتی برای جلوگیری یا مقابله با کرونا در فولاد اهواز انجام نشده است. حتی به کارگرانی که علائم اولیه بیماری کرونا داشتند یا مشکوک به بیماری کرونا بودند، مرخصی استعلاجی داده نشد. کمترین اثری از بازرسی محیط کار، کنترل اجرای پروتکل‌های بهداشتی، الکل، ژل، ماسک و تب‌سنج ورودی و خروجی برای کنترل درجه حرارت بدن وجود نداشت. چندین کارگر به کرونا مبتلا شدند که مدیران سعی کردند آن را لاپوشانی کنند. اسفند ۹۸ وقتی‌که کارگران در

و کنترل کارگران را سازمان دهد. در یک کلام دو سال بعد از اعتصاب بزرگ و اعتراضات خیابانی کارگران فولاد، وضعیت کارگران نه تنها بهبود نیافته بلکه در بسیاری موارد اوضاع بدتر شده، بیش از پیش به زیان کارگران رقم خورده و چشم‌انداز ادامه کاری فولاد نیز همچنان تیره و تار است.

باین‌وجود هیچ‌یک از این اقدامات و تلاش‌ها نتوانسته‌اند مانع اعتراض کارگران فولاد شوند. کارگران فولاد در تجمعات و نیز با انتشار بیانیه، ضمن مخالفت با سیاست‌های مدیریت جدید خواهان تحقق مطالبات خود شده‌اند. کارگران فولاد در بیانیه مورخ ده آذر ۹۹ ضمن اشاره به یک سال "سوء مدیریت و سوء تدبیر و بی‌برنامگی" مدیر پروازی یوسفی، "اختصاص برخی جایگاه‌های حساس و مهم توسط یوسفی به افراد غیر کارآمد غیربومی همچون محمدی، رکابی، جنتی که طی یک سال با اعمال و افعال ضد کارگری همراه بوده و عدم شایستگی گزینی و ارتقاء افراد فاسدی چون خطیبی و نادى زاده" کارنامه یک‌ساله مدیریت را افشا نموده و خواهان مطالبات زیر شده‌اند؛ پرداخت تعطیل کاری ایام کرونا، پرداخت حق فنی به همه کارگران، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و افزایش حق فنی، پرداخت حق بدی آب‌وهوا، پرداخت به موقع دستمزد، شفافیت سازی در استخدام، رفع تبعیض در اضافه‌کار و پاداش، تأمین مواد اولیه، بیمه کارآمد، افزایش دستمزد و اضافه‌کار.

اقدام جسورانه کارگران فولاد در روز شنبه سیزدهم دی‌ماه و بیرون راندن تعدادی از مدیران ارشد و دزد و ضد کارگر از شرکت، نشان داد که مبارزه کارگران فولاد گرچه نه در شکل اعتراض گسترده خیابانی، اما در اشکال دیگری ادامه دارد.



## جمهوری اسلامی دشمن مردم، دشمن طبیعت، دشمن زندگی

رسید، استاندار تهران وادار شد تا در روز ۱۳ دی‌ماه از هیات وزیران خواستار تعطیلی دو روزه تهران شود، خواستی که مورد توجه مقامات جمهوری اسلامی قرار نگرفت و رحمانی وزیر کشور به صراحت آن را رد کرد. بعد از آن نیز در حالی که آلودگی هوا روز به روز بدتر شد، جمهوری اسلامی برای خواباندن صداهای اعتراض مردم و کم اهمیت جلوه دادن معضل آلودگی هوا شاخص کیفیت هوا در تهران را اعلام کرد که به مفهوم ناسالم بودن هوا برای گروه‌های خاص است. این در حالی‌ست که مجید فراهانی عضو شورای شهر تهران روز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه شاخص کیفیت هوای تهران را ۱۵۲ اعلام کرده و گفته بود: "امروز و فردا احتمال رسیدن آن به بالای ۱۶۰ و شرایط بسیار خطرناک وجود دارد". لازم به توضیح است که اگر شاخص کیفیت هوا به ۱۵۱ و بالاتر برسد، هوا برای همگان ناسالم است و بنابراین نه فقط سالمندان و نه فقط بیماران خاص و کودکان، بلکه انسان‌های سالم نیز نباید از خانه بیرون بیایند و برای همین بود که درخواست تعطیلی تهران مطرح شده بود. اما جمهوری سرمایه‌داران که حاضر به تعطیلی کارخانه‌ها و کم شدن سود سرمایه‌داران نیست و در رابطه با شیوع کرونا نیز آن را نشان داد، به گفته‌ی وزیر کشور تصمیم گرفت معضل آلودگی هوا را "با کمترین هزینه" حل کند، یعنی با قربانی کردن کارگران و زحمتکشان.

هم اکنون نه فقط مردم شهرهای بزرگ همچون تهران، تبریز، اصفهان و اهواز با این مشکل بزرگ دست و پنجه نرم می‌کنند، بلکه بسیاری از دیگر شهرها از جمله قریب به اتفاق شهرهای استان تهران به‌ویژه ورامین، شهریار و پاکدشت نیز با این معضل روبرو هستند. به‌طوری‌که به اعتراف سازمان هواشناسی هوای این شهرها نیز برای تمامی گروه‌های سنی ناسالم شده بود. به واقع جمهوری اسلامی کار را به جایی کشانده که دیگر حتی هوایی برای نفس کشیدن مردم باقی نمانده است.

به‌گفته‌ی محمدصادق حسونوند رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوای دانشگاه علوم پزشکی تهران، در ایران سالانه ۴۰ هزار نفر بر اثر پیامدهای آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند (خبرگزاری ایرنا). همچنین آلودگی هوا در شرایط آلودگی کرونا، باعث مرگ بیشتر بیماران کرونایی گردیده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قربانیان آلودگی هوا در سال ۹۹ از ۴۰ هزار نفر نیز به مراتب فراتر خواهد رفت. علیرضا زالی "فرمانده عملیات مقابله با کرونا تهران" ضمن تأیید این موضوع در نشست هفته گذشته کمیته اضطرار آلودگی هوای استان گفت: "از طرفی ماندگاری ویروس کرونا در شرایط وارونگی و آلودگی هوا افزایش می‌یابد، از طرف دیگر به خاطر آسیب سیستم تنفسی بر اثر آلودگی، فرد در برابر ویروس ضعیف‌تر می‌شود".

عباس شاهسونی رئیس گروه سلامت هوا و

تغییر اقلیم وزارت بهداشت نیز از پژوهشی در داخل کشور خبر داد که نشان‌گر رابطه مستقیم افزایش غلظت ذرات معلق در هوا و موارد فوت بر اثر ابتلا به کرونا را اثبات می‌کند. براساس این پژوهش اگر هوا آلوده نبود از ۱۲ هزار نفری که در فاصله اول آذر تا هفته گذشته براساس آمارهای رسمی از بیماری کرونا درگذشته‌اند حدود ۱۸۰۰ نفر زنده می‌ماندند.

مرگ و میر زودرس اما تنها معضل آلودگی هوا نیست. به‌گفته‌ی حسین شهیدزاده مدیرعامل شرکت کیفیت هوای تهران: "طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ خسارات ناشی از آلودگی هوا تنها در تهران سالانه دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برآورد شده بود، یعنی روزانه ۷ میلیون دلار". خساراتی که می‌توانست با اقداماتی همچون نوسازی پالایشگاه‌ها و غیره که هزینه چندان بیشتری نداشت از آن جلوگیری کرد.

مقامات جمهوری اسلامی اگرچه ابتدا سعی کردند تا برای انحراف افکار عمومی بار دیگر تقصیر آلودگی هوا را به گردن مردم انداخته و همچون وزیر نفت آن را به استفاده بیشتر از گاز خانگی ربط دهند. اما هیچ‌کدام از این توجیحات مضحک نمی‌توانست توضیح دهد که چرا ایران تنها کشوری در جهان است که در شرایطی که جهان با پاندمی کرونا روبروست به این مساله دچار شده است؟! به همین دلیل نیز جسته و گریخته مجبور به اعتراف شدند که استفاده از مازوت (نفت سیاه) در نیروگاه‌ها و برخی از دیگر صنایع همچون ریخته‌گری‌ها منجر به افزایش آلودگی هوا گردیده است.

در این مرحله مقامات جمهوری اسلامی سعی کردند تا این بار تقصیر را به گردن دشمن خارجی انداخته و همچون رئیس سازمان محیط زیست مدعی شدند "به دلیل تحریم‌ها مازوت را نمی‌توان صادر کرد و مجبور به استفاده در داخل هستیم". اما این نیز دروغی بیش نبود. همگان می‌دانستند که فروش نفت خام با تحریم روبروست و همین الان هم جمهوری اسلامی بنزین و دیگر محصولات نفتی را صادر می‌کند که یکی از کشورهایی که بنزین تولید شده در پالایشگاه‌های ایران به آن صادر می‌شود سوریه است.

در واقع علت اصلی صادر نشدن مازوت نه تحریم‌ها بلکه نداشتن خریدار است. مازوت (نفت کوره) یکی از سوخت‌های فسیلی است که گوگرد بالایی دارد و به دلیل آسیب‌هایی که به محیط زیست می‌زند استفاده از آن شدیداً در حال کاهش است و حتی برخی از کشورها استفاده از آن را ممنوع کرده‌اند. برای نمونه سازمان بین‌المللی دریانوردی IMO استفاده از مازوت برای کشتی‌ها در آب‌های بین‌المللی را ممنوع کرده است. اما جدا از این مساله، کیفیت مازوت تولیدی پالایشگاه‌های کشور به دلیل بالا بودن گوگرد آن، یک دلیل دیگر نبود خریدار است.

میزان گوگرد در مازوت‌های تولید شده ایران ده‌ها برابر استاندارد جهانی است و از همین رو

خریداری نیز برای آن پیدا نمی‌شود. به گفته‌ی کلانتری رئیس سازمان محیط زیست (۱۴ دی روزنامه همدلی) "براساس گزارش معاونت محیط زیست انسانی مقدار سولفور موجود در گازوئیل‌ها در بیشتر موارد بالای هزار ppm بوده است در حالی که استاندارد آن پنجاه ppm است و مازوت خیلی بدتر است. مازوت ما بالای ۲۰ هزار یا حتی ۳۰ هزار ppm سولفور (گوگرد) دارند!!!"

اما این هنوز پایان ماجرا نیست. پالایشگاه‌های ایران به دو دلیل یک فن‌آوری پایین و دوم قدیمی بودن پالایشگاه‌ها که براساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس از ده پالایشگاه ایران ۷ پالایشگاه اساساً عمر مفیدشان به پایان رسیده، میزان تولید مازوت آن‌ها از نفت خام بسیار بالا است. برای نمونه در حالی که پالایشگاه‌های امارات تنها ۴/۵ درصد نفت خام را به مازوت تبدیل می‌کنند، پالایشگاه‌های ایران به نوشته روزنامه خراسان به طور متوسط ۳۰ درصد از نفت خام را تبدیل به مازوت می‌کنند. در برخی از پالایشگاه‌ها همچون پالایشگاه آبادان و کرمانشاه این نسبت به ۴۰ درصد می‌رسد!! به عبارت دیگر با توجه به وضعیت پالایشگاه‌های ایران اگر نفت خام به فروش رود و به جای آن بنزین وارد شود از لحاظ اقتصادی بهتر است چرا که ۳۰ درصد نفت خام عملاً نه تنها ارزش خود را از دست می‌دهد، بلکه به یک معضل زیست‌محیطی تبدیل می‌شود. به‌گفته‌ی رئیس سازمان محیط زیست شرایط به گونه‌ای است که کسی حتا رایگان نیز مازوت را از ایران نمی‌خرد!!! جدا از آن‌که بهای مازوت در هر بشکه ۳ دلار و نفت خام هر بشکه به بالای ۵۰ دلار رسیده است!!!

به همین دلیل به گفته‌ی زنگنه وزیر نفت و کلانتری رئیس سازمان محیط زیست و معاون روحانی "انبارها از مازوت پر شده و چاره‌ای جز استفاده از مازوت در نیروگاه‌ها و صنایع وجود ندارد... چرا که اگر بنزین تولید نشود کشور با معضل دیگری روبرو می‌شود". کلانتری در همان گفت‌وگو با روزنامه همدلی به تاریخ ۱۴ دی حتا استفاده از مازوت را یک موضوع امنیتی نامید. به عبارت روشن‌تر به دلیل پر شدن انبارها از مازوت، جمهوری اسلامی از ریه مردم برای انبار کردن مازوت تولیدی پالایشگاه‌ها استفاده می‌کند!!!

به اعتراف مدیرکل شرکت برق حرارتی "تنها ۴۰ درصد سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها از خوراک گاز تأمین و برای ۶۰ درصد دیگر از گازوئیل و مازوت استفاده می‌شود"، این در حالی‌ست که در سال‌های گذشته خوراک گاز سهم بسیار بیشتری از سوخت نیروگاه‌ها را داشت. حتا در سال ۲۰۱۹ که استفاده از مازوت و گازوئیل در نیروگاه‌ها نسبت به سال‌های قبل از آن به شدت افزایش یافته بود، ۶۳ درصد سوخت نیروگاه‌های برق از گاز تأمین می‌شد. علاوه بر این گوگرد بالای مازوت مصرفی در نیروگاه‌های برق، باعث تخریب لوله‌ها در نیروگاه‌ها و مستهلک شدن تجهیزات نیروگاهی و کاهش عمر مفید آن‌ها می‌شود که این نیز خود معضل دیگری است، آن‌هم نیروگاه‌هایی که بسیاری از آن‌ها به دلیل عدم نوسازی و غیره با

## گزارشی از تجمع اعتراضی علیه رژیم جمهوری اسلامی در آمستردام هلند

سرود و خواندن بیانیه کمیته به زبان‌های فارسی، هلندی و انگلیسی و همچنین سردادن شعارهای "سرنگون رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و دیگر شعارهای انقلابی و در پی آن، سخنرانی یکی از پناهندگان واز شاهدان خیزش دیماه، بخش‌های دیگری از برنامه این تجمع بودند.



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد حکومت شورانی  
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم  
فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند

برابر با فراخوان کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در هلند و همچنین فراخوان حمایت فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در هلند، روز شنبه ۹ ژانویه ۲۰۲۱ در میدان دام آمستردام تجمع اعتراضی علیه رژیم جمهوری اسلامی برگزار شد. فعالین سازمان در این تجمع اعتراضی به مناسبت خیزش دیماه ۱۳۹۶ و علیه احکام اعدام بازداشت شدگان دیماه ۱۳۹۶ و اعدام‌های اخیر زندانیان سیاسی شرکت داشتند. این تجمع در شرایط وجود ویروس کرونا و علی‌رغم محدودیت‌های ایجاد شده از سوی دولت انجام شد. پخش موزیک و ترانه

## جمهوری اسلامی دشمن مردم، دشمن طبیعت، دشمن زندگی

راندمان پایینی مشغول کار هستند، از جمله نیروگاه ری که میزان واقعی تولید برق به نصف ظرفیت اسمی آن رسیده است. البته استفاده از تمامی ظرفیت پالایشگاه‌ها در "تصفیه نفت خام" تنها به دلیل نیازهای داخلی نیست. جمهوری اسلامی همچنین برای نیازهای ارزی خود بنزین، برق و گاز را صادر می‌کند و بدین ترتیب مازوت باز هم بیشتری تولید و مصرف می‌کند و چیزی که برای اش مهم نیست محیط زیست، آلودگی هوا و جان مردم است.

براساس برآورد "پروژه جهانی کربن" (The Global Carbon Project (GCP ایران ششمین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در جهان بعد از چین، آمریکا، هند، روسیه و ژاپن در سال ۲۰۱۹ بوده است (سال ۲۰۱۸ هفتمین کشور). اگر به حجم اقتصاد ایران و جمعیت کشور نگاهی شود، متوجه می‌شویم که ایران نسبت به جمعیت و حجم اقتصاد خود در واقع بیشترین گازهای گلخانه‌ای را تولید می‌کند، غیرقابل مقایسه با آلمان آن هم با جمعیتی حدودا مشابه اما با اقتصادی چندین برابر ایران. گازهایی که سوخت‌های فسیلی همچون مازوت نقش مهمی در تولید آن دارند، گازهایی که تولید آن‌ها توسط انسان‌ها یکی از نتایج‌اش گرم شدن کره زمین و افزایش بیابان‌ها و کویرهاست و ایران به دلیل طبیعت و موقعیت جغرافیایی‌اش یکی از کشورهای است که بیشترین آسیب را از این مساله می‌بیند!!! با این شرایط و استفاده بیشتر از مازوت و گازوئیل آن هم با میزان گوگرد ده‌ها برابر استاندارد، طبیعی‌ست که در سال ۲۰۲۰ انتشار گازهای گلخانه‌ای در ایران افزایش یافته باشد.

اما چرا جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت سرمایه‌داری، حتا در حد همین دولت‌های سرمایه‌داری نمی‌تواند با معضل آلودگی هوا مقابله کند؟! جمهوری اسلامی جمهوری غارتگران، دزدان و فاسدان است، حکومتی که با سیاست‌هایش مردم ایران را به فقری رنج‌آور محکوم کرده است. واقعیت این است که پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها و دیگر صنایع ایران یا قدیمی و از کار افتاده هستند و یا از تکنولوژی ۳۰ تا ۴۰ سال قبل بهره می‌گیرند. علت آن عدم سرمایه‌گذاری در این زمینه‌هاست. جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهد تا پول‌هایی را که بدست می‌آورد خرج سپاه پاسداران، دستگاه‌های عریض و طویل مذهبی و شبه‌نظامیان همچون حزب‌الله لبنان و غیره بکند تا خرج نوسازی

کشور و محیط زیست و طبیعت، یکی دیگر از نتایج سیاست‌های جنایتکارانه جمهوری اسلامی است، حکومتی که در جنایت و فساد از همه‌ی حکومت‌های حال حاضر جهان با فاصله زیاد پیشی گرفته است و برای پایان دادن به تمامی این مصائب راهی جز سرنگونی این حکومت جبار برای کارگران و زحمتکشان ایران وجود ندارد. سرنگونی دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و برپایی حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، تنها راه رهایی از شر مصائبی‌ست که حکومت اسلامی برای مردم ایران به بار آورده است.

پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها. چرا که برای جمهوری اسلامی هیچ چیز بالاتر از حفظ موجودیت‌اش اهمیت ندارد و بر این گمان است که می‌تواند تا ابد با تکیه بر سرنیزه بر کارگران و زحمتکشان ایران حکومت کند و برای همین نه واکسیناسیون همگانی، رایگان و مطمئن (واکسنی که به تایید سازمان بهداشت جهانی رسیده باشد) برایش مهم است و نه آلودگی هوا. این‌ها زمانی مهم می‌شوند که مردم بپا خیزند و جمهوری اسلامی خود را در محاصره مردم به پا خاسته ببینند. به عبارت دیگر آلودگی هوا و مرگ و میر زودرس و دیگر نتایج آن برای مردم و

## زنده باد سوسیالیسم



## خامنه ای دستور قتل عام توده های مردم ایران را صادر کرد

صبح امروز (جمعه ۱۹ دیماه ۹۹) خامنه ای رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی در یک سخنرانی زنده تلویزیونی اعلام کرد: "ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی کرونا [به ایران] ممنوع است. ساعاتی بعد از این موضع گیری شیدانه خامنه‌ای، سخنگوی هلال احمر جمهوری اسلامی نیز گفت: واردات ۱۵۰ هزار دوز واکسن فایزر، که چند انجمن خیریه به دنبال تهیه آن بودند، "منتفی است".

سخنان امروز خامنه ای، که آشکارا به معنی سلاخی کردن کارگران و زحمتکشان ایران است، هرگز سخنان جدیدی نبود. او از همان بدو ورود کووید ۱۹ به ایران، با به هیچ گرفتن خطرات مرگبار این ویروس، توده های مردم ایران را دست بسته به کشتارگاه ویروس کرونا فرستاد.

رهبر آدمکش جمهوری اسلامی، نخستین بار در ۴ اسفند ۹۸، در یک سخنرانی عمومی بدون نام بردن از ویروس کرونا گفت، این ویروس "بهبانه خوبی" بود که مخالفان جمهوری اسلامی شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را زیر سؤال ببرند. او ۹ روز بعد، در ۱۳ اسفند نیز شیوع کرونا را "بلایی" خواند که "انچنان بزرگ نیست" و توده های مردم ایران را برای مقابله با آن به "دعا" فرا خواند. خامنه ای سپس در سخنرانی نروزی اش، آمریکا را به تولید ویروس کرونا متهم کرد و بدون ارائه کمترین دلیل و مستندی گفت: "گفته شده که یک بخش با استفاده از آشنایی ژنتیک ایرانی به خصوص برای ایران درست شده است".

رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی، طی ۱۱ ماه گذشته مدام با تکرار چنین اراجیف و هذیان گویی های بدون هزینه، توده های مردم ایران را به قتلگاه کووید ۱۹ فرستاده است. توده های کارگر و مردم زحمتکشی که بر اساس همان آمارهای رسمی دولتی تا کنون بیش از ۵۵ هزار نفر جان باخته اند. آماري که طبق نظر پاره ای از مسئولان وزارت بهداشت جمهوری اسلامی دو ونیم تا سه برابر آمار رسمی یعنی حدود ۱۵۰ هزار نفر و بر اساس گفته های رئیس سازمان نظام پزشکی ایران و سازمان بهداشت جهانی دست کم به میزان ۴ برابر یعنی بیش از ۲۰۰ هزار نفر در قتلگاه پاندمی کرونا کشتار شده اند. با این همه، سخنان امروز خامنه ای به مراتب فراتر از روند کشتارهای پیشین بود. ممنوع کردن ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی (فایزر و آکسفورد) به ایران که تنها واکسن های تایید شده از طرف سازمان بهداشت جهانی هستند، بی هیچ تردیدی به معنی صدور فرمان مستقیم و عامدانه کشتار ده ها و صدها هزار نفر دیگر از مردم بی دفاع ایران است. فرمانی که به سرعت موجی از خشم و نفرت و انزجار را در میان توده های مردم ایران ایجاد کرده است. همان توده های مردمی که این روزها بی صبرانه منتظر ورود واکسن کرونا به ایران بودند که ناگهان همه امید شان به یأس تبدیل شد.

فراموش نکنیم خامنه ای در شرایطی فرمان قتل عام مردم ایران را صادر کرده است که در هفته های گذشته عموم دولت های جهان روند واکسیناسیون رایگان و همگانی کووید ۱۹ را برای شهروندان خود آغاز کرده اند. در ایران اما خامنه ای و دولت جمهوری اسلامی به جای خرید واکسن های معتبر و مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی و شروع واکسیناسیون رایگان و همگانی، در اقدامی جنایتکارانه ورود واکسن های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی را ممنوع کردند.

پوشیده نیست، چنین فرمانی اگر با سکوت بگذرد، اگر با اعتراضات وسیع توده های مردم ایران مواجه نشود، اگر کارگران و زحمتکشان ایران در عرصه سراسری علیه این فرمان کشتار جمعی بپا نخیزند، بدون شک خامنه ای و دولت جمهوری اسلامی با وقاحت و دست و دل بازی بیشتری در مسیر کشتار مردم ایران حرکت خواهند کرد.

سازمان فدائیان اقلیت، انزجار شدید خود را نسبت به این فرمان اعلام می دارد و ضمن محکوم نمودن شدید آن، همراه با دیگر سازمان های انقلابی در کنار کارگران و توده های زحمتکش مردم ایران علیه این فرمان مرگبار خامنه ای و تمام نظامی که این جلاد در رأس آن قرار گرفته مبارزه خواهد کرد.

سازمان فدائیان اقلیت و اکسیناسیون رایگان، فوری، همگانی و مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی را حق مسلم همه مردم و ساکنین ایران می داند و بر این باور است که این مطالبه بر حق و همگانی فقط و فقط بر بستر مبارزه عمومی کارگران و توده های مردم ایران متحقق خواهد شد.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – بر قرار باد حکومت شورایی**  
**زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**۱۹ دیماه ۱۳۹۹**

**کار، نان، آزادی – حکومت شورایی**



## این جنایت مشمول مرور زمان نخواهد شد

روانی است". سخنگوی وزارت راه و شهرسازی نیز در همان روز سقوط هواپیما، شایعه اصابت موشک را با قاطعیت رد کرد و گفت، اگر این طور بود، "هواپیما در آسمان منفجر نمی شد". ساعاتی بعد، وزیر راه و شهرسازی کابینه حسن روحانی که سازمان هواپیمایی کشور بخشی از زیر مجموعه این وزارت خانه است و از این نظر، وزیر راه می بایست زودتر از هر کسی از سقوط و علت سقوط هواپیما خبر داشته باشد، در کمال وقاحت دلیل سقوط هواپیما را "نقص فنی" اعلام کرد. حسام الدین آشنا عنصر بالای امنیتی و مشاور فرهنگی حسن روحانی نیز برای کتمان حقیقت به خبرنگاران و رسانه های فارسی زبان خارج از ایران طی پیام های تهدیدآمیز هشدار داد و نوشت: "هشدار! به کارگزاران ایرانی تبار رسانه های فارسی زبان هشدار داده می شود از مشارکت در جنگ روانی مربوط به هواپیمای اوکراینی و همکاری با ایران ستیزان خودداری کنند".

یک روز بعد، یعنی روز ۱۹ دی، علی ربیعی سخنگوی کابینه روحانی هم با بی شرمی تمام تشکیک در نقض فنی هواپیما را یک "روش کاملاً حساب شده و شناخته شده در عملیات روانی" دانسته و اعلام کرد: "در آینده که مشخص شد این ادعای دروغ عاری از حقیقت است هیچ کس مسئولیت این دروغ بزرگ را بر عهده نخواهد گرفت". سخنگوی دولت، سپس از این هم فراتر رفت و با وقاحت تمام همه کسانی که روایت جعلی حکومت را باور نداشتند به همسویی با آمریکا متهم کرد و گفت: "سیستم عملیات روانی دولت آمریکا و همراهان آگاه و ناآگاه آن ها با این دروغ پردازی ها بر زخم جانگناه خانواده های داغدار نمک می پاشند". دروغ پردازی ها، پنهان کاری ها و انتشار اخبار جعلی مسئولان حکومتی و افراد به ظاهر "کارشناسان نظامی" وابسته به جمهوری اسلامی را پایانی نبود. طی سه روز، از در و دیوار حاکمیت دروغ پشت دروغ می بارید. رسانه های کشور از گزارش های جعلی و اخبار کذب پر شده بودند. روز ۲۰ دی، یعنی در سومین روز حادثه، شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی به حمزه پاریاب به عنوان "کارشناس امور دفاعی" فرصت داد تا یک مشت چرندیات خود را در اذهان عمومی تزریق کند. این به اصطلاح "کارشناس امور دفاعی"، با زبانی به ظاهر نصیحت گونه اما در مقام تهدید به کاربران گفت: "کاربران شبکه های اجتماعی در باره این سانحه، وارد بازی رسانه ای کثیف و عملیات روانی آمریکایی

ها نشوند... این کاربران خود را جای خانواده هایی بگذارند که عزیزان خود را در این سانحه از دست داده اند و شایعات و اطلاعات نادرست، بیش از پیش آن ها را داغدار می کند". عجب! چه دنیای وارونه ایست. دریغا که بی شرمی را حد و مرزی نیست. مشتکی قاتل و جنایتکار و آدمکش که با شلیک دو موشک، هواپیمای مسافربری اوکراینی را با ۱۷۶ سرنشین ساقط کرده اند، اکنون در مقام همدلی و همدردی با خانواده های داغدار بر آمده اند.

همه این دروغ پردازی ها و انتشار اخبار جعلی در شرايطی تکرار می شدند که از همان روز اول حادثه، دولت های کانادا و آمریکا با انتشار اسنادی بر ساقط شدن هواپیما توسط شلیک پدافند هوایی سپاه پاسداران تاکید داشتند. علاوه بر مستندات این دو دولت و خبرگزاری های معتبر جهان، یک روز پس از سرنگونی هواپیما، ویدئویی در شبکه های خبری و اینترنتی منتشر شد که به وضوح شلیک یک موشک زمین به هوا و اصابت و انفجار آن به هواپیمای اوکراینی را نشان می داد. ویدئویی که از همان ابتدای انتشار، صحت و تعیین مکان شلیک آن در نزدیکی فرودگاه بین المللی تهران مورد تایید دولت های غربی و خبرگزاری های معتبر جهان قرار گرفت. علاوه بر این ویدئو، فیلم ویدئویی کوتاه دیگری هم در رسانه های خبری و شبکه های اجتماعی به گردش درآمد که شلیک دو موشک با فاصله ۲۵ ثانیه به هواپیمای مسافربری تهران - کی یف را نشان می داد. به رغم تمامی شواهد موجود که سرنگونی هواپیما را با شلیک دو موشک پدافند سپاه پاسداران تایید می کرد و به رغم تصاویر منتشر شده در فضای مجازی که بقایای یک موشک روسی را در کنار لاشه هواپیمای سرنگون شده نشان می داد، بنگاه های دروغ پراکنی جمهوری اسلامی باز هم از کار نایستادند. رسانه های امنیتی جمهوری اسلامی در روندی شیدانه برای جلب افکار عمومی به اظهار نظر بی نام و نشان "کارشناسان" و "منابع آگاه" هواپیمایی استناد می کردند تا کماکان علت سقوط هواپیما را به دلیل نقص فنی در اذهان مردم جا بیندازند. برای نمونه، در ۱۹ دی، خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران، از زبان "یک منبع امنیتی کانادایی که نامش فاش نشده" نوشت: "ارزیابی و برآورد اولیه سرویس های اطلاعاتی غربی نشان می دهد هواپیمای مسافربری اوکراینی که در ایران سقوط کرده است، با موشک سرنگون نشده... بلکه با یک نقص فنی روبرو" بوده

است. روز ۲۰ دی، خبرگزاری تسنیم آنلاین وابسته به سپاه پاسداران نیز به نقل از یک "منبع آگاه در فرودگاه امام خمینی" نوشت: "هواپیما نقص فنی داشت، مهندس ایرانی طبق فرم موجود اجازه پرواز را نداده بود، اما مهندس اوکراینی ایرلاین مخالف [بوده] و اعلام کرده که مشکلی برای پرواز نیست و پرواز می کنیم".

روند دروغ پردازی و جنگ روانی مجموعه دستگاه های تبلیغاتی جمهوری اسلامی، به ویژه رسانه های امنیتی وابسته به سپاه پاسداران تا سه روز ادامه یافت. پس از سه روز سکوت و پنهان کاری و تکرار مداوم اخبار کذب، سرانجام زیر فشار افکار عمومی و در پی اسناد متقنی که از همان روز نخست توسط خبرگزاری های معتبر جهان و دولت های کانادا و آمریکا منتشر شده بود، هیئت حاکمه ایران بر سقوط هواپیمای اوکراینی توسط شلیک موشک سپاه پاسداران صحه گذاشت. در بامداد چهارمین روز حادثه، ساعت ۷ صبح روز شنبه ۲۱ دی، ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با صدور یک اطلاعیه رسمی اعلام کرد، هواپیمای اوکراینی به دلیل نزدیکی به یک "مرکز حساس نظامی سپاه" با "یک خطای انسانی و به صورت غیر عمد" هدف پدافند هوایی سپاه پاسداران قرار گرفت.

ساعاتی بعد، حاجی زاده، مسئول هوا فضای جمهوری اسلامی نیز در یک نشست خبری با رسانه های داخلی ضمن اعتراف به اینکه **از همان صبح روز حادثه از علت سقوط هواپیما با خبر بوده**، در مورد چگونگی این جنایت، تمام ماجرا را به خطای یک اپراتور منتسب کرد و گفت: "خطای یک اپراتور دلیل این فاجعه بود... به دلیل اطلاعات غلطی که به این بنده خدا داده بودند" این اتفاق رخ داد.

اکنون با گذشت یک سال از وقوع این فاجعه دردناک، یک سالی که لحظه لحظه آن با خون دل خوردن خانواده های داغدار گذشت، سالی که که خانواده های جان باختگان هواپیمای مسافربری تهران - کی یف، به امید شناسایی و مجازات آمران و عاملان این فاجعه مرگبار درانتظار دادخواهی بوده اند، سپاه پاسداران یک روز پیش از نخستین سالروز سرنگونی هواپیمای اوکراینی با انتشار بیانیه ای از خود سلب مسئولیت کرده و مسئولیت هدف قرار دادن هواپیما را بر عهده آمریکا قرارداد. سپاه پاسداران در بیانیه خود سرنشینان جان باخته هواپیمای اوکراینی را "شهید" اعلام کرده و نوشته است: "این اتفاق تلخ که در پی ماجراجویی های ضد انسانی و اقدامات تروریستی آمریکا در منطقه به وقوع پیوست... قلب های مردم شهید پرور ایران را در صفحه ۹



## این جنایت مشمول مرور زمان نخواهد شد

شوند، نه صرفاً یک آپراتور بیچاره که اکنون در بازداشت نیروهای امنیتی بسر می برد. به گفته حامد اسماعیلیون، سخنگوی خانواده کشته شدگان هواپیمای اوکراینی، حتی آن رسانه ای که "واقعیت را می دانست و کتمان کرد"، یا رسانه ای که "با سکوت خود، جنایتکاران را همراهی" کرد، یا آن دسته از رسانه هایی که در روزهای دروغ پردازی و جعل خبر، به گونه ای بی شرمانه در انتشار اخبار کذب با آرکستر - سمفونی آزار دهنده و بد آواز جمهوری اسلامی هم صدا شدند، جملگی "جرم شان کمتر از مسئولان" این رژیم نیست و همه صاحبان این رسانه ها به میزان سهمی که در پنهان کاری این جنایت هولناک داشته اند، باید پاسخگو باشند.

در چنین گستره ای از دادخواهی مورد نظر خانواده های جان باختگان هواپیمای اوکراینی، دیگر جایی برای سخنان عوام فریبانه حسن روحانی نیست. حسن روحانی و اعضای کابینه او، هرگز نمی توانند با این دروغ ها و سخنان فریبکارانه، خود را تبرئه کنند و با ادعای مضحک محاکمه "مسبب این حادثه در یک دادگاه عادلانه" خود را نجات دهند. روحانی به عنوان کسی که ریاست "شورای امنیت ملی کشور"، یعنی بالاترین نهاد امنیتی جمهوری اسلامی را عهده دار است، به عنوان رئیس دولتی که سازمان هواپیمایی کشور بخشی از زیر مجموعه وزارت راه و شهرسازی کابینه اوست، به عنوان رئیس کابینه ای که مسئول سازمان هواپیمایی کشور مستقیماً از طرف وزیر راه کابینه او برگزیده می شود، مسلماً خود و وزیر مربوطه اش، جزو اولین کسانی هستند که از سرنگونی هواپیما و علت سقوط آن باخبر بوده اند. از این رو، حسن روحانی و کابینه اش دست کم به دلیل سه روز سکوت، سه روز کتمان حقیقت و سه روز همصدا شدن با دروغ پردازی های آزاردهنده مجموعه هیئت حاکمه ایران، در دایره نخست آمران و عاملان این جنایت هولناک قرار دارند که خود نیز به همراه دیگر آمران و عاملان اصلی این جنایت باید محاکمه و مجازات شوند.

نشدند؟

علاوه بر جلسه دادسرای تهران، در گردهمایی خانواده های قربانیان این جنایت بزرگ که روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه ۹۹، در محل سقوط هواپیما برگزار شد، پدر یکی از جان باختگان طی سخنانی گفت: "سال عزیزان ماست. سال گذشته در همین موقع، آخرین قدم هایشان را روی کره خاکی زمین گذاشتند. ما آمده ایم که قدمگاه آنان را گل باران کنیم. آمده ایم جنایتی را که علیه بچه های ما، علیه خانواده های ما اتفاق افتاده محکوم کنیم. ننگ بر همه آنهایی که این انسان های مظلوم، بی گناه و بی دفاع را به اون شکل از هوا به زمین انداختند. با نقشه عامدانه جنایت کردند. مرگ بر جنایتکاران!". آنچه در این گردهمایی پُر رنگ بود همانا خواست دادخواهی و مجازات آمران و عاملان این جنایت درناک بود که با تکرار شعار "دادخواهی" خاتمه یافت.

پوشیده نیست دادخواهی مورد نظر خانواده های داغدار هواپیمای سرنگون شده اوکراینی، هرگز نمی تواند در حد دستگیری یا مجازات یک "آپراتور بیچاره" که فقط مطیع چشم و گوش بسته دستورات برنامه ریزان این جنایت بوده است، محدود گردد. با توجه به خواست خانواده های جان باختگان این جنایت هولناک و با توجه به ادعای مقامات کانادایی و اوکراینی که بر وجود مدارکی دال بر سرنگونی عامدانه هواپیمای مسافربری اوکراینی تاکید دارند، به نظر می آید مجموعه هیئت حاکمه ایران از خامنه ای گرفته تا حسن روحانی، از فرمانده هوا فضای سپاه پاسداران گرفته تا دیگر مقامات ارشد نظامی، سیاسی رژیم در نقشه کشی و سازماندهی این فاجعه در دناک دست داشته اند. در واقع، همه نهادها و کسانی که در این جنایت بزرگ نقش داشته اند، باید محاکمه و مجازات

جریحه دار و اندوهگین کرد".

در کنار اطلاعیه سپاه پاسداران، غلام عباس تُرکی، دادستان نظامی تهران هم با بیان اینکه "تحقیق گسترده" سازمان قضایی نیروهای مسلح "بر نقش خطای انسانی در بروز این سانحه دلالت دارد"، گفت: "چند نفر از جهت بی احتیاطی و بی مبالاتی و عدم رعایت نظامات و مقررات" متهم شده اند که تنها یکی از آنان در بازداشت به سر می برد و بقیه با وثیقه آزاد هستند". پیش از سخنان دادستان نظامی تهران و اطلاعیه سپاه پاسداران، حسن روحانی نیز در آستانه سالروز ساقط شدن هواپیمای اوکراینی طی سخنانی فرمایشی در جلسه هیئت دولت گفت: "مسبب این حادثه باید در یک دادگاه عادلانه محاکمه شوند و دولت بر این موضوع اصرار دارد و قوه قضائیه هم حتماً این کار را انجام می دهد". دولت ایران هم چنین چند روز پیشتر از این سخنان روحانی اعلام کرده بود، "مبلغ ۱۵۰ هزار دلار یا معدل یورویی آن" را به عنوان غرامت به خانواده ها و بازماندگان هر یک از جان باختگان هواپیمای اوکراینی پرداخت می کند.

سخنان فریبکارانه حسن روحانی، بیانیه وقیحانه سپاه پاسداران، موضوع پرداخت غرامت و سخنان دادستان نظامی تهران در شرایطی انتشار یافته اند، که خانواده های قربانیان سرنگونی هواپیمای مسافربری تهران- کی یف بارها گفته اند که قبل از هر چیز، به دنبال معرفی آمران و عاملان شلیک به هواپیما و مجازات آن ها هستند. آن ها، تا کنون طی جمعاعات و گردهمایی های مختلف خود پیگیرانه بر امر دادخواهی و مجازات آمران و عاملان این جنایت هولناک تاکید داشته اند. برای نمونه، روز دوشنبه ۲۴ آذر ماه ۹۹، جمعی از خانواده های قربانیان این فاجعه دلخراش با حضور در دادسرای نظامی تهران، با صدای بلند نسبت به روند رسیدگی به پرونده شکایت خود اعتراض کردند. اگرچه خبرگزاری ها و رسانه های ایران از کنار این تجمع و جلسه خانواده ها با مقامات دادسرای نظامی تهران به سکوت گذشتند، اما ویدئویی از سخنان پدر مریم ملک، یکی از قربانیان سرنگونی هواپیما در شبکه های اجتماعی منتشر شد که او در این جلسه در مقابل رئیس دادسرای نظامی ایستاده و خشمگینانه فریاد می زند: "چطور یک مشت آدم جنایتکار ممکن است در تحقیقات شرکت داشته باشند؟ چاقو چطور دسته خود را می بُرد؟ چرا فرمانده هوا فضای سپاه یا جنایتکاری که به عنوان وزیر امور خارجه است، از کار برکنار



## این جنایت مشمول مرور زمان نخواهد شد

پردازی های آزردهنده روی آوردند. طی سه روز، تمام مسئولان نظام از سپاه و دولت و خامنه ای گرفته تا کلیه روزنامه ها و دستگاه های تبلیغاتی رژیم در یک هماهنگی کامل بر طبل اخبار جعلی کوبیدند بدان امید که بتوانند نقص فنی هواپیما را به عنوان علت سقوط در اذهان عمومی حفته کنند. مجموعه هیئت حاکمه طی سه روز متوالی با ادبیاتی به ظاهر "فنی" و "تخصصی" اما تماما دروغ و جعل و فریب، همه کسانی را که "سقوط هواپیما بر اثر نقص فنی" را باور نداشتند، به همسویی با "خط نفاق" و "جنگ روانی آمریکا" متهم کردند.

برای نمونه، در همان روز سرنگونی هواپیما،

ابوالفضل شکارچی "سخنگوی ارشد نیروهای مسلح" با "مضحک" دانستن این نظریه که "هواپیمای اوکراینی مورد اصابت قرار گرفته" به همگان اطمینان داد: "شایعاتی که در خصوص این هواپیما مطرح می کنند کاملا دروغ محض است و هیچ کارشناس نظامی و سیاسی این موضوع را تایید نمی کند". این سرتیپ سپاه پاسداران جمهوری اسلامی سپس با توسل به ادبیات خامنه ای به دیگران از جمله خانواده های جان باختگان هشدار داد: "قطعا این موضوع توسط خط نفاق به نفع آمریکایی ها دنبال می شود و توطئه ای دیگر در حوزه جنگ درصفا ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[https://T.me/fadaian\\_aghaliyat](https://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 903 January 2021



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می شود.

مشخصات ماهواره های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی